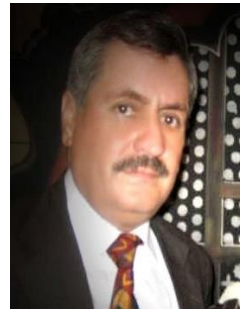


## تأثیر متقابل دولت و جامعه مدنی در افغانستان

دکتور خوش نظر پامیزاد- کابل

11/11/2011



اواخر سده بیست، علایمی از دگرگونیهای عمیق اجتماعی در سطح جهانی نمودار گردید. جنگ سرد با یکطرفه شدن قدرت جهانی، به نقطه پایان خود رسید و کفه ترازو، جهان غرب را یکه تاز و بی رقیب ساخت.

این برهم خوردن توازن اگر از یک سو کره ارض را از خطر جنگ اتمی نجات داد، از سوی دیگر، به نظام سرمایه میدان وسیع تاخت و تاز را باز نمود که سرنوشت اکثریت ملت‌های جهان را در ابهام آینده نگری فرو برد.

در کشور ما پس از سپری شدن سالهای دشوار جنگ، با تأسیس دولت نوین‌یادی که کنفرانس بن به ارمغان آورد، یکبار دیگر روزنه امید در برابر این ملت ستمدیده گشوده شد و دولتی زیر پوشش شعار قانون پا به میدان گذاشت؛ اما با گذشت یک دهه از اساسگذاری آن، ضعف و ناتوانیهای فراوانی بر آن غلبه کرد.

سرنوشت اکثریت مطلق مردم افغانستان با یأس و نومیدی و دلزده از وعده‌های بی عمل دولت مواجه گردید. دولت که میراث بردار رژیم‌های قبلی بود، مرجع توقع حل مناقشات و نارساییهای گذشته محسوب گردید.

با فاصله گرفتن دولت از مردم و افزایش بی اعتمادی بین دولت و مردم، یگانه راهی که باقی ماند تا مردم به منزل مقصود برسند و به نحوی پاسخگوی نیازمندیهای آنان باشد، ایجاد مؤسسات و نهادهای غیر دولتی بود تا بتوانند خود کفایی و خود توانمند ساختن را در پیش گیرند.

زیرا از یک سو ضعف و ناتوانی دولت در برابر مسؤولیتهایش و از جانب دیگر، هجوم بی بند و بار سرمایه‌های بزرگ داخلی در تبانی با سرمایه‌های خارجی، وضع حیات

اجتماعی، اقتصادی قشر اکثریت جامعه را در وضعیت خفقان آوری قرار داد که این خود برای شکلگیری بهتر جامعه مدنی زمینه ساز گردید.

هر چند توقع حل تمام دشواریهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی از جامعه مدنی، خوشبینانه خواهد بود اما در چنین وضعیت، این تنها چراغ سبز است برای مردم که به آن، ولو صرف در شعارها و گفتمانها مطرح است، دلگرم شوند.

جامعه مدنی که بنا بر توصیف لیبرالیستی آن به صورت آرمانی، یک منطقه آزاد، با حق انتخاب سیاسی - اقتصادی که میتواند استبداد دولتها و حتی جدایی جوامع را از میان بردارد، خیلی به مفهوم و فضیلت مدنی نزدیک میشود. (1)

با چنین تعریف آرمانگرایانه و خوشبینانه، بدون در نظر داشت حقایق جوامع، کار جامعه مدنی صرف روی کاغذ باقی خواهد ماند؛ زیرا جوامع، با شرایط و اوضاع مختلف، در عملکرد خویش دچار چالشهایی خواهند بود که در برابر به پا ایستاده شدن جامعه مدنی قدمی افزازند.

این که تعریف از جامعه مدنی در جوامع غربی چقدر به حقیقت نزدیک است، سؤال دیگر است، اما در کشور های جهان سوم، صرف داشتن حق انتخاب سیاسی - اقتصادی، کاری را از پیش برده نمیتواند، بلکه برخلاف، گاهی حق انتخاب، جالی برای به دام انداختن و رد گم کردن حقایقی از زنده گی میشود. زیرا جوامع مدنی نوپا که هنوز توان ایستاده شدن را نداشته و نیازمند حمایه و دستگیری قانون اند، چطور در مقابله با دولت برخاسته و به استبداد آن نقطه پایان بگذارند. در چنین جوامع، جامعه مدنی نیازمند تأمین روابط و تفاهم با دولت به جای رقابت است.

به هر اندازه بی که نهادها و مؤسسات مدنی، زمینه پلورالیتها ساختن زنده گی را مهیا سازند، زمینه آن فراهم میگردد تا در تفاهم با دولت، قانونمندی و تابعیت قانون را تعمیم بخشند و دولت را در چارچوب یک نظام دموکراتیک در آورند که شاخص آن نظام، زمینه دادن برای فعالیتهای مؤسسات غیر دولتی و مدنی در پهلوی مؤسسات دولتی است و از جانبی هم جامعه مدنی، نظر به عناصر متشکله خویش که حکومت قانون یک عنصر آن است، معیاری را برای تطبیق قانون حصول داشته و به آن موفق میشود تا استقرار حکومت قانون را مهیا سازد.

این راه، راه یک روز و یک شب، یک ماه و یک سال نیست، زمانگیر است. یک سفر میکانیکی ساده نیست، یک مبارزه و جدل است.

تعمیل این امر که مردم در تعیین سرنوشت خویش از موضع بی غرضی و بی تفاوتی برآیند، وابسته به خود آگاهی آنان است؛ که این خودآگاهی مردم را، نهاد های مدنی، مؤسسات غیر دولتی، احزاب و نیروهای ترقی پسند و دموکراتیک به وجود می آورند. نهادهای مدنی نسبت به هر مرجع دیگری مسؤولیت بیشتر دارند تا در تفاهم با دولت که سنگ دموکراسی را بر سینه میکوبد، زمینه آگاهی مردم را از قوانین نافذ فراموش نموده، در نهان ساختن فرهنگ و آداب دانی مدنی، گامهای مؤثری را بردارد.

به نظر آگاهان، این مأمول زمانی به دست می آید که آداب دانی مدنی، با همه ساز و برگش وسعت یابد. آداب دانی مدنی که ممیزه عمده جامعه مدنی است، از نظر ادوارد شیلز، علاقمندی مردم را به نهاد هایی مجسم میکند که جامعه مدنی را تشکیل میدهند. تلقی و برداشتی از وابسته گی به کل جامعه، به همه قشرها و بخشهای آن است؛ برداشتی از توجه و عشق به خیر و خوبی همه جامعه است. شیلز تأکید میکند که آداب دانی مدنی، همزمان، هم فرد گرایانه، هم گروه گرایانه و هم کل گرایانه است. «دلسوز و مراقب رفاه و بهبود کل» یا ماهیت بیشتر جامعه است. اساسی تر از همه، آداب دانی مدنی را سلوک یک شخص میداند که « خود خواهی فردی، او را تا حدی تحت الشعاع خودآگاهی جمعی او قرار میدهد»

موصوف، آداب دانی مدنی را در این دریافت، متضمن ادب، نزاکت و رفتار خوب، نه فقط نسبت به خویشان و وابسته گان، همکاران و دوستان میگوید، به خصوص نسبت به افرادی میگوید که شخص آنها را نمیشناسد. (2)

آنچه را که شیلز برای یک جامعه مدنی مطرح میکند، علاقه مردم نسبت به این جامعه میباشد که در شکل آداب دانی مدنی پیشکش مینماید. بدون شک، یک جامعه نضج یافته مدنی، در وضعیت پیشرفته، مطمح نظرش خواهد بود که همچو جامعه، خیر و خوبی همه را در کل ارائه میدارد. ولی نکته یی که قابل دقت است، گرایش آداب دانی مدنی میباشد که آن را همزمان فرد گرایانه، گروه گرایانه و هم کل گرایانه میگویند. هر چند این بحث از حوصله این مقال بیرون است، ولی به ارتباط آمد موضوع باید گفت که آداب دانی مدنی در حالت فرد گرایانه، خطرات جدی را به بار خواهد آورد.

مسئله پی را که روی آن باید تمرکز کرد، ارتباط و تأثیر متقابل دولت با نهاد های جامعه مدنی است. یکی از وظایف اساسی دولت، در برابر نهاد های جامعه مدنی، مؤسسات غیر دولتی، احزاب و سازمانها، تأمین امنیت آنهاست که ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، آن را تسجیل نموده و آورده است که هر کس حق زنده گی، آزادی و امنیت شخصی دارد. (3)

بر طبق احکام اعلامیه جهانی حقوق بشر، دولت مکلف به تأمین مصونیت افراد میباشد. برای اجرای چنین وظیفه که دولت، اعلامیه جهانی حقوق بشر را پذیرفته است، مکلف است تا حکومت قانون را مسلط بسازد. در واقع مسلط ساختن حکومت قانون، وضع و اجرای آن به این نکته تأکید میدارد که چگونه قانون بتواند بر اراده و قدرت زورگویان که هیچگونه معیار و قاعده زنده گی را نمیپذیرند، غلبه حاصل نماید و زمینه سازی برای یک مشارکت ملی را که بر پایه دموکراسی استوار باشد، مهیا سازد که نهاد های مدنی و مؤسسات غیر دولتی، سازمانها و احزاب، فعالانه در آن شرکت ورزند. این یکی از قدمه هایی است از اثر گذاری دولت بر فعالیت جامعه مدنی.

این گفته دکتور امین ساجو در رابطه به وضعیت جامعه مدنی صدق میکند که گفته است: « جای شگفتی نیست که جامعه مدنی – در میان داربستهای شکوفنده آن در بافتهای متنوع و متغیر- هنوز از صورت یک اندیشه گذرا به صورت یک اندیشه ثابت و تعصب آمیز بیرون نیامده است؛ استعمال و کاربرد آن از توصیفات ساده نهادهای غیر دولتی و انجمنهایی که برای حفظ و قوام مشارکت دموکراتیک جدید، مهم و حیاتی تلقی میشود تا بیان تحلیلی ارزش- ارزشهایی چون آزادی فردی، وحدت ملی، پلورالیسم، عدم خشونت- که یک فرهنگ مدنی پویا را حفظ میکند و برپا میدارد، در نوسان است. (4)

دکتور ساجو که هنوز باورمند به اندیشه ثابت جامعه مدنی نبوده و آن را در حال گذار میبیند، مفهوم روشن و معقول معنایی را برای آن جستجو داشته، از قول جی، کین ( جامعه مدنی: تصورات کهن با بینشهای جدید ) می آورد: « بهتر آنست که اعمال قدرت در چار چوب یک نظام دموکراتیک که شاخص آن، جدایی نهادهای جامعه مدنی و نهادهای دولتی است، رهبری و کنترول شود. این امر چون از منظر مشارکت در قدرت نگریده شده، معنایش آنست که بازیگران دولت و نهادهای درون یک دموکراسی، پیوسته ناگزیرند که به بازیگران مدنی و نهاد های مدنی احترام بگذارند، از آنها حمایت کنند و در قنرت، آنها را شریک و انباز خویش قرار دهند. به همین نحو شهروندانی که

در نهادهای تحت حمایت دولت، در یک جامعه محتلط زنده گی میکنند، به ناچار باید تفاوت‌های اجتماعی را بپذیرند و قدرت را در میان خود تقسیم کنند.» (5)

این یک مسئله حیاتی برای جامعه ما خواهد بود، تا دولتی که مسؤولیت حل تناقضات و کشمکشها را بر پایه های مشارکت ملی پذیرفته است، در عمل تا چه حد میتواند به این امر وفادار باقی بماند. نهادهای مدنی که برای رهایی کشور از کشمکشها و تناقضات اجتماعی - اقتصادی، فقر و فلاکت زده گی، بی اعتمادی و بی باوری عرض وجود کرده اند، مؤفقیت خود را در تفاهم با دولت احساس میکنند؛ زیرا جامعه مدنی دارای ارزشهایی میباشد که در دورنما، حلال خوب مشکل بوده و دولت را در کمبودیهایش مدد رسان خواهد بود. ارزشهایی را در عملکرد جامعه مدنی میتوان چنین رده بندی کرد:

- برای ارتقای کیفیت کار و عمل، جامعه مدنی میتواند برنامه های اجتماعی-اقتصادی را که برای تمام سطوح کشور مؤثریت دارد، در یک پلاتفورم مشترک به دولت پیشنهاد کند.

- برنامه های کاری جامعه مدنی که بر مبنای توانمند ساختن و تصمیم مردم مشخص میشود، با تحلیل از واقعیات موجود و جستجو کردن در گذشته، عامل ایجاد بینش جدید برای شهروندان بوده که این بینش را میتوان در عرصه های، توسعه اقتصادی، آفرینشهای فرهنگی، اخلاق و عقلانیت جامعه و روان شناختی به کار گرفت.

- یکی از ارزشهایی که میتوان در جامعه مدنی دریافت، تقویة اعتماد به نفس است. زیرا در جامعه، آنچه که بیشتر از هر ارزش معنوی خدشه دار گردیده و جنگهای دوامدار آن را تا سرحد نابودی کشانیده، اعتماد به نفس در وجود هر انسان این جامعه میباشد.

- شرایط دشوار و خفقان آور جنگ، اکثریت مطلق جامعه را در وابسته گی های بی حد و حصر کشانید. کمکهای بشردوستانه مؤسسات بین المللی و ملل جهان، جامعه را تا حدی ذلیل ساخت که مرض تگدی، دامنگیر مردم شد و این روحیه، اعتماد به نفس افراد و غرور آنها را پامال کرد. توانمند ساختن و معتمد شدن به خویش، در راهبرد های جامعه مدنی، شاهکار بزرگی است که تا حدی مردم را به روحیه امیدواری پرورش داده، برای آنها اعتماد به نفس را خلق میکند تا در حل مشکل شان مستقلانه عمل کنند.

- یکی دیگر از ارزشهایی که بتوان آن را به حساب آورد، سهمیم ساختن شهروندان در فعالیتهای اقتصادی میباشد که این فعالیتها، نیازمندی و پرابلم تشکل سرمایه اجتماعی و شکلگیری آن را رفع میکند و در نتیجه تشکل سرمایه اجتماعی، به توانمندی جامعه افزوده شده و این ارزش، خود خلای دولت را در زمینه مکلفیتهایش پر میکند. همچنان

زمینه مشارکت جامعه بر سطح بلند را تأمین کرده و در تصمیمگیری مردم نقش فعالی را ایفا میدارد.

- مسئله ارتباطات شاخصی است که در جهان امروز، معیار پیشرفت محاسبه میشود. یعنی ارتباط خوب و دسترسی به اطلاعات، عناصر حیاتی در تحرک اجتماعی میباشند که جامعه مدنی آن را مهیا ساخته و بخشی از مکلفیت دولت به وجه بهتری انجام مییابد.
- جامعه مدنی لزوماً روحیه نقاد بودن را در قلمرو فرهنگ، روانشناسی، تعلیم و تربیه و سیاست، پرورش میدهد که تعمیم و گسترش این روحیه، ارزشمند است.
- یکی از ارزشهای جامعه مدنی، پلورالیتیه بودن (تکثرگرایی) آن است. محمداً رغون، یکی از جامعه شناسان که شکل لیبرالیستی جامعه مدنی را به باد انتقاد میگیرد، در مورد پلورالیتیه بودن جامعه مدنی اظهار میدارد که جامعه مدنی جدید، لزوماً باید تکثرگرا باشد. این امر به افراد شهروند اجازه میدهد که به گروههای قومی، فرهنگی و دینی مختلف با همه آزادیهایی که لازمه یک نظام دموکراتیک است، تعلق داشته باشند. (6)

به نظر وی، ارزش تکثرگرایی، منطق انعطاف پذیری آنست که راههای متعددی برای بیان ارزشهای دینی و فلسفی و همچنان تلفیق تجارب روحانی با نهاد های سیاسی سکولار (دنیاگرا) وجود دارد.

- یکی دیگر از ارزشهای جامعه مدنی، به وجود آوردن زمینه کار برای شهروندان است که در حقیقت بخشی از وظیفه دولت را انجام میدهد؛ زیرا براساس اعلامیه اسلامی حقوق بشر «کار حق است که باید دولت و جامعه برای هر کسی که قادر به انجام آن است، تضمین کند.» (7)

- از مکلفیتهای دیگر جامعه مدنی، یکی هم ترویج آداب دانی مدنی برای شهروندان میباشد. در حقیقت، آداب دانی مدنی، صورتی از اعتماد، احترام یا شناخت متقابل است که جامعه مدنی به این وسیله، خلای بی اعتمادی مردم نسبت به دولت را از میان بر میدارد.

- جامعه مدنی به نحوی تلاش میکند تا اراده مردم را تمثیل نماید که این اراده به شکل مشارکت مردم در انتخابات انعکاس مییابد و در واقع، بخشی از مکلفیت دولت انجام مییابد. ماده بی از اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحت دارد که اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است؛ این اراده باید به وسیله برگزاری انتخابات بیان گردد. (8)

ارزشهای برشمرده نشان میدهد که دولت «دموکراتیک» و جامعه، تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند که میتوانند در حل تناقضات مسلط بر وضع کشور، از این تأثیر، سود زیادی برگیرند. جامعه مدنی زیر حمایت قانونیت که دولت مکلف به اجرای آن است، گام مؤثری در تطبیق اهداف خویش بر میدارد و دولت نیز که مکلف به اجرای وظایفی برای

بهبود حیات کشور است، در حمایت جامعۀ مدنی، برخی از مکلفیتهایش را در همکاری این نهاد ها عملی میسازد.

پانیشتها

1- جامعۀ مدنی در جهان اسلام، چشم اندازهای معاصر (مجموعۀ مقالات)، مقاله: اصول اخلاقی در جامعۀ مدنی (شهر) دکتور امین - ب، ساجو، ترجمۀ دکتور فریدون بدره یی، تهران، 1384، ص 266

2- جامعۀ مدنی در جهان اسلام، چشم اندازهای معاصر (مجموعۀ مقالات)، مقاله: خود، جامعۀ، آداب دانی مدنی و اسلام، عزیز اسماعیل، ص 100

3- اعلامیۀ جهانی حقوق بشر، مصوب 10 دسامبر 1948 میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ماده 3

4- جامعۀ مدنی در جهان اسلام، مقدمه، ص 16

5- همان اثر، ص 17

6- همان اثر، مقاله: جای جامعۀ مدنی در بافتهای اسلامی، محمد ارغون، ص 68

7- اعلامیۀ اسلامی حقوق بشر، 15 اگست 1990 میلادی، ماده 13

8- اعلامیۀ جهانی حقوق بشر، ماده 21، بند 3